





دانشکده علوم انسانی

مرکز تهران جنوب

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته: تاریخ ایران دوره اسلامی

گروه تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان پایان نامه

بررسی نظام اداری غوریان

استاد راهنما: دکتر هوشنگ خسروبیگی

استاد مشاور: دکتر جمشید نوروزی

دانشجو

مجید زکالوند

تیر ماه ۱۳۹۳

چکیده:

غور ناحیه ای است میان هرات و غزنه که کوهستان از چهار طرف آنرا احاطه کرده است و شهر بزرگ آن فیروزکوه بود و حکومتش گاه تابع دربار غزنه و گاه مطیع سلجوقیان بود. اما امرای شنسبانی غور توانستند شجره دودمان غزنویان را برافکنند.

این دودمان کوچک به یکباره در شرایطی برابر دودمان های بزرگی نظیر غزنویان و سلجوقیان و خوارزمشاهیان قرار گرفت و توانست نزدیک به نیم قرن بخشهای وسیعی از سرزمینهای ایران و هند را تحت نفوذ خود در آورد و بالضروره برای اداره قلمرویی وسیع از تشکیلات اداری و دیوانی دیگر حکومتها استفاده نمود.

غوریان که تا مدتها تحت نفوذ وسلطه غزنویان و بعد سلجوقیان بودند با ایجاد روابط اداری و تعاملات سیاسی با این حکومتها به وامگیری از تشکیلات دیوانی و مناصب درباری این حکومتها پرداختند. برخورد های نظامی میان غوریان و خوارزمشاهیان، تصرف شهرهای یکدیگر و پناهندگی سیاسی شاهزادگان و امرای نظامی آنان از دلایل دیگر این اقتباس در سازمان اداری غوریان بوده است. در نهایت غوریان توانستند با توسعه دیوانها و اخذ مناصب جدید درباری از دودمانهایی که در بالا اشاره شد سازمان اداری خود را بازسازی کنند.

در این پژوهش به بررسی تشکیلات اداری دوره غوریان در ایران پرداخته می شود که هدف از آن این است که دودمان غوریان تشکیلات اداری و دیوانی خود را متأثر از چه دودمان ها و بر چه اساسی استوار نمودند.

واژگان کلیدی: غوریان، غزنویان، تشکیلات اداری، دیوان، دربار

فهرست مطالب:

فصل اول: کلیات تحقیق

- ۱-۱- تعریف مساله و بیان سوالهای اصلی تحقیق
- ۲-۱- سابقه و ضرورت انجام تحقیق
- ۳-۱- فرضیه ها
- ۴-۱- هدف ها
- ۵-۱- قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی، موضوعی)
- ۶-۱- ارزیابی منابع

فصل دوم: اوضاع سیاسی سلاطین غوری

۱-۲- تاریخ سیاسی غوریان در ایران

۲-۲- سلاطین غوری در بامیان

۳-۲- سلاطین غوری در غزنین

فصل سوم: روابط غوریان با سلسله های همجوار

۱-۳- روابط غوریان و خلفای عباسی

۲-۳- روابط غوریان و غزنویان

۳-۳- روابط غوریان و سلجوقیان

۴-۳- روابط غوریان و خوارزمشاهیان

فصل چهارم: تشکیلات دیوانی و درباری غوریان

۴-۱- غوریان و منشور سلطنت

۴-۲- تشکیلات درباری غوریان

۴-۳- تشکیلات دیوانی غوریان

نتیجه گیری

منابع و مأخذ

چکیده انگلیسی

غوریان یکی دیگر از حکومت‌های ایرانی بودند که توانستند چند دهه بر بخشی از ایران و هند حکومت کنند اما بخش‌هایی از تاریخ این سلسله در پرده‌ای از ابهام و تاریکی قرار گرفته است.

این امر به چند دلیل صورت گرفته: اول آن که بدلیل کوهستانی بودن منطقه غوریان و انزوای این سلسله در منطقه خود در قرون اولیه اسلامی کمتر مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است. دیگر این که نویسندگان دربار غوریان نیز نتوانسته‌اند بطور شایسته بر گذشته تاریک و مبهم این سلسله چراغی برافروزند مگر در مواردی جزئی، پس در نتیجه یافتن منابع و اطلاعات در این مورد کاری بس دشوار و سخت می‌نماید.

فصل اول این پژوهش در مورد کلیات تحقیق که شامل طرح مسئله پژوهش و سوالات و فرضیات و پیشینه تحقیق و ارزیابی منابع می‌باشد تدوین شده است. در فصل دوم به اوضاع سیاسی دولت غوریان پرداخته شده است در این فصل سلاطین غوری در بامیان و غزنین شرح داده شده است.

در فصل سوم روابط دودمان غوریان با سلسله‌های هجوار، خلفای عباسی، سلجوقیان، غزنویان و خوارزمشاهیان ذکر شده است. بدلیل آن که موضوع پایان نامه در مورد تأثیرگذاری سلسله‌های گذشته و معاصر بر غوریان در ایران و بررسی اقتباسات غوریان از سلسله‌های ذکر شده در بالا در شکل‌گیری سازمان اداری شان بوده، پس ضرورت یافت که فصلی جداگانه بدان اختصاص یابد.

در فصل چهارم که در واقع اصل پژوهش و بن‌مایه این تحقیق محسوب می‌شود بطور مفصل به تشکیلات دربار غوریان پرداخته شده است.

در این فصل تشکیلات دیوانی، سازمان مالی و اداری غوریان و همنشینان و خدمه دربار را شرح داده شده است.

در پایان لازم می دانم از آقای دکتر جمشید نوروزی که به عنوان استاد مشاور، بنده حقیر را در این تحقیق یاری و همراهی نمودند و بخصوص آقای دکتر هوشنگ خسرویگی که به عنوان استاد راهنما که به طور جدی و مستمر اینجانب را در تمامی مراحل تحقیق راهنما و پشتیبان بودند تشکر نمایم.

زکالوند تیر ماه ۱۳۹۳

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱ تعریف مساله و بیان سوالهای اصلی تحقیق

غور ولایتی است میان هرات و غزنه که کوهستان از چهار طرف آنرا احاطه نموده است که حکومتش گاه تابع دربار غزنه و گاه مطیع سلجوقیان بود. سلطان محمود غزنوی به بهانه جهاد با کفار به غور لشکر کشید. او در سال ۴۰۱ه.ق غور را تصرف نمود و معلمانی برای تعلیم فرایض اسلامی در آنجا گذاشت.

سلطان سنجر نیز در سال ۵۰۱ه.ق به غور لشکر کشید و عزالدین حسین را به اسارت در آورد که در آن هنگام تحت نفوذ سلجوقیان بود. یکی از برجسته ترین پدیده های این دوره آن بود که دودمان کوچک امرای شنسبانی غور توانستند ناگهان به حرکت درآیند و در شرایطی برابر با دودمان های غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان رقابت کنند.

رقابت بین غزنویان و غوریان که حدود نیم قرن طول کشید سرانجام به پیروزی غوریان و برانداختن سلطنت دیرپای غزنه خاتمه داد، اما دوره شکوفایی و رونق دولت غوریان بسیار اندک و کوتاهتر از غزنویان بود. کمتر از ۳۰ سال پس از نابودی دولت غزنوی لاهور توسط سلطان غیاث الدین محمد غوری متصرفات غوریان در خراسان زیر سلطه خوارزمشاهیان در آمد.

محدود بودن حوزه جغرافیایی غوریان و دور بودن از خراسان موجب شده که منابع کمتر به آن توجه داشته باشند، به گونه ای که در منابع دست اول مشهود است. در مجموع در منابع دست اول تاریخ ایران شاید بتوان فقط به کتاب طبقات ناصری اثر منهج ساج جوزجانی توجه کرد. ظاهراً بر همین

اساس توجه پژوهشگران کمتر به این مسئله جلب شده است، این امر در هنگامی که بخواهیم سازمان اداری این حکومت را بررسی کنیم تشدید خواهد شد. هدف این تحقیق بررسی سازمان اداری غوریان با اتکا به سوالات زیر است.

سوال های اصلی:

۱- مهمترین مبانی احیای سازمان اداری غوریان چه بود؟

۲- مهمترین تغییرات تشکیلات اداری غوریان در مقایسه با سازمان های اداری حکومتیهای

پیشین چه بود؟

۲-۱ سابقه و ضرورت انجام تحقیق

با بررسی تاریخ غوریان می توان چنین نتیجه گرفت که منابع دست اول اطلاعاتی اندک از این سلسله به دست می دهند. در مجموع منابع دست اول تاریخ ایران شاید بتوان فقط به کتاب طبقات ناصری نوشته منهاج سراج جوزجانی که به عنوان مورخ دودمان غوریان شناخته شده است توجه کرد.

موقعیت جغرافیایی غوریان به دلیل قرار داشتن در افغانستان، بسیار مورد توجه پژوهشگران افغان قرار گرفته است. دکتر عبدالحی حبیبی در کتاب خود بنام تاریخ افغانستان بعد از اسلام تحقیقات گسترده ای در این مورد انجام داده اند و با توجه به اینکه غوریان در ارتباط با ایران و مردم آن قرار داشتند محققان ایرانی نیز بدان پرداخته اند. دکتر اصغر فروغی ابری در کتاب تاریخ غوریان به شرح امرای غوری و مختصراً تشکیلات دیوانی و رسوم درباری آنان و دکتر مهدی روشن ضمیر در مقالات خود با عناوین: «والا ترین مرحله شکوفایی دودمان غوری» و «آثار غوریان» بدان پرداخته اند. همچنین خانم

الهه ضیایی در پایان نامه خود بنام «خدمات غوریان به توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی» و آقای رمضان علی محقق نیز در پایان نامه خود بنام «اوضاع سیاسی و فرهنگی غوریان و غرجستان تا پایان قرن ششم هجری» مورد پژوهش قرار داده اند.

ضرورت انجام تحقیق این است که با توجه به اینکه یکی از خصوصیات تاریخ ایران وجود تشکیلات و سازمان های اداری و دیوانی است و این تشکیلات را از سلسله های باستان، سلسله به سلسله به ارث برده اند و با توجه به اهمیت این موضوع متأسفانه در مورد سلسله غوریان که بخشی از آن مربوط به تاریخ ماست کوتاهی شده است. این تحقیق بر مبنای این اصل طرح شده است تا بتواند کاستی های این سلسله را از لحاظ تشکیلات اداری تا حدودی بر طرف کند.

۳-۱ فرضیه ها:

- ۱- به نظر می رسد که سنت های محلی منطقه غور، اقتباس از سازمان های اداری حکومت های معاصر بخصوص غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان و نیز سنتهای اداری نواحی غربی شبه قاره هند از مهمترین عوامل شکل گیری و احیای سازمان اداری غوریان بوده است.
- ۲- به نظر می رسد که سازمان اداری غوریان در مقایسه با حکومت های پیش از خود تغییرات بنیادی نداشته است با این حال ظاهراً برخی سنتهای اداری شبه قاره هند در برخی تغییرات در تشکیلات اداری غور بخصوص از هنگام درگیری و تصرف هند توسط غوریان بیشتر آشکار گردیده است.

۴-۱ هدف ها:

۱- شناخت مهمترین مبنای شکل گیری سازمان اداری غوریان

۲- شناخت مهمترین وجه ممیزه سازمان اداری غوریان در مقایسه با سازمان اداری حکومت

های ایرانی پیش از آنها

۵-۱ قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی، موضوعی)

از نظر زمانی از سال ۵۴۳ ه.ق زمان حکومت سلطان سیف الدین سوری تا سال ۶۱۲ ه.ق که

مملکت غوریان توسط سلطان محمد خوارزمشاه تصرف شد و به پسرش سلطان جلال الدین

منکبرنی واگذار گشت را شامل می شود. از نظر مکانی غور منطقه ای کوهستانی بین هرات

و غزنه محصور بوده است. از نظر موضوعی نیز این پژوهش فقط به بررسی سازمان اداری

غوریان می پردازد.

۶-۱ ارزیابی منابع

۷-۱ تاریخ های عمومی

الکامل فی التاریخ (تاریخ کامل ایران)

نوشته ابوالحسن عزالدین ابن اثیر مورخ بزرگ اسلامی است. وی در جزیره ابن عمر بدنیا آمد و در

کودکی به حفظ قرآن و سرودن شعر پرداخت، بعدها به خدمت صلاح الدین ایوبی پیوست. این کتاب

تاریخ عمومی است که حوادث عالم را از ابتدای خلقت تا سال ۶۲۸ ه.ق بازگو می کند. این کتاب

حوادث تاریخی را نه به ترتیب سلسله ها، بر اساس زمان آنها نشان میدهد و اطلاعات بسیار

سودمندی در مورد غوریان و سازمان اداری آنها ارائه می کند که حتی در طبقات ناصری هم که منبع

اصلی غوریان است ارائه نشده است، این اطلاعات بیشتر بدلیل رابطه غوریان و دیگر حکومتها بدست آمده است و این اثیر بدان اشاره کرده است.

طبقات ناصری

یکی از کتب عمومی و مهم در زبان فارسی می باشد نویسنده کتاب منهاج سراج جوزجانی می باشد که بعضی از حوادث را در دربار سلاطین دهلی از نزدیک مشاهده کرده است او در دربار دهلی دارای مقام و منصب قضاوت بود. کتاب طبقات ناصری مهمترین منبع درباره سلسله غوریان در ایران می باشد و شرح و تفسیر مفصلی از رجال برجسته، فرماندهان و نیز شرح حوادث در سلسله غوریان تا زمان انقراض آنها بدست خوارزمشاهیان اشاره می کند.

تاریخ الفی

این کتاب اثر ارزشمند چند تن از دانشمندان است که با تشویق اکبر شاه سومین پادشاه تیموری هند در سال ۹۹۳ ه. ق تدوین گشته است. موضوع کتاب تاریخ عمومی می باشد و فهرست بندی کتاب بر اساس زمان وقوع حوادث می باشد. تاریخ الفی اطلاعات مهمی از دربار غوریان در اختیار خواننده قرار می دهد و به صورت پراکنده اشاره به غوریان دارد. بخش های مربوط به غوریان توسط قاضی احمد تتوی نگاشته شده است. نام کتاب بر اساس هزار سال که از تاریخ هجرت پیامبر (ص) گذشته است و کتاب تألیف شده آمده است که بدستور جلال الدین اکبر شاه پیشنهاد شد.

تاریخ حبیب السیر

نویسنده این کتاب خواجه غیاث الدین محمد شیرازی معروف به خواند میر از نویسندگان قرن دهم هجری می باشد. او کتاب خود را در تاریخ عمومی در سال ۹۲۷ ه. ق آغاز کرد و سال ۹۳۰ ه. قدر عهد شاه اسماعیل به پایان رسانید. این کتاب یکی از معروفترین کتب فارسی بعد از عهد مغول می باشد، اثر

خواند میر اطلاعات مفید و ارزشمندی از سلاطین غوری بخصوص روابط آنها با خوارزمشاهیان در اختیار ما قرار میدهد، فهرست بندی کتاب بر اساس ترتیب سلسله ها می باشد که با ذکر زمان حوادث در جای خود بیان شده است.

تاریخ فرشته

محمد قاسم هندوشاه استرآبادی مشهور به فرشته مورخ ایرانی تبار مهاجر به هند می باشد او را غریبان یا غریب زاده نیز گفته اند که در سال ۹۷۷ه.ق بدینا آمد. وی کتاب را در سال ۹۹۸ه.ق به تشویق ابراهیم عادلشاه دوم در مورد تاریخ هند به خصوص در مورد سلاطین دکن تألیف کرد، این کتاب تاریخ عمومی می باشد و اطلاعات مبسوطی در مورد سلسله غوریان بدست می دهد زیرا مملوکان سلطان شهاب الدین غوری بعدها سلسله ای در هند تشکیل دادند که پرداختن مؤلف به وقایع آنها بدون در نظر گرفتن غوریان، آن را غیر ممکن می ساخت. پس در نتیجه تاریخ فرشته اطلاعات کامل و جامعی از غوریان را در اختیار ما قرار می دهد.

مجمع الانساب

این کتاب اثری مهم با نثری روان و پخته از محمدبن علی بن محمد شبانکاره ای می باشد او کتاب خود را در سال ۷۳۳ه.ق نوشته است موضوع کتاب تاریخ عمومی می باشد که اطلاعات مختصر و مفیدی از حکومت غوریان ارائه می کند.

تواریخ سلسله ای

تاریخ جهانگشای جوینی

این کتاب تالیف علاءالدین عظاملک جوینی می باشد که موضوع اصلی آن حمله مغول به ایران و شرح حوادثی در مورد سلسله خوارزمشاهیان می باشد و رابطه این سلسله و غوریان را بررسی می کند. نویسنده کتاب بسیار نزدیک به حوادث دوره خوارزمشاهی بوده و اطلاعات مفیدی در مورد روابط خوارزمشاهیان و غوریان در اختیار ما قرار می دهد.

سیرت جلالالدین منکبرنی

موضوع کتاب سرگذشت سلطان جلالالدین خوارزمشاه می باشد که توسط شهاب الدین محمد خرنذی نسوی تألیف شده است. نسوی به علت نزدیکی به حوادث و وقایع حکومت خوارزمشاهیان و اینکه هفت سال منشی سلطان جلال الدین بوده است بطور کامل و دقیق به شرح حوادث حکومت خوارزمشاهیان پرداخته است، روابط غوریان و خوارزمشاهیان از جمله اخبار این کتاب بوده که هر چند کم، اما دقیق و کامل در اختیار خواننده و پژوهشگر قرار گرفته است.

تاریخ یمینی

کتاب تاریخ یمینی جزء تواریخ سلسله ای بوده که توسط ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی بنام سلطان محمود تألیف گشته است. اهمیت کتاب بیشتر برای اطلاعاتی می باشد که در مورد زندگی و فتوحات سلطان محمود در هند بدست می دهد؛ دیگر اینکه به روابط حکومت غزنویان و دیگر حکومتها و از جمله غوریان می پردازد.

منشآت

عتبه الكتبه

این کتاب مجموعه منشآت منتجب الدین بدیع اتابک جوینی منشی سلطان سنجر سلجوقی می باشد. تاریخ ولادت و وفات او مشخص نیست، او این کتاب را بدستور ابوالفتح ناصرالدین نظام الملک طوسی، وزیر سلطان سنجر بین سالهای ۵۲۸.ق تا ۵۴۸.ق تألیف کرده است. این کتاب شامل مراسلات رسمی و دولتی می باشد که در زمان سلطان سنجر صادر گشته است؛ این کتاب گنجینه ذی قیمتی از انشاء نثر فارسی در ادارات دولتی سلاجقه در اوایل و اواسط قرن ششم هجری در زمان حکومت سلطان سنجر و اطلاعاتی مبسوط از رجال حکومتی، علما و مشاهیر دوران سنجری می باشد.

فصل دوم: اوضاع سیاسی سلاطین غوریان

۱-۲- تاریخ سیاسی غوریان در ایران

غوریان نسب خود را به ضحاک می‌رسانند گویند یکی از فرزندان ضحاک بنام بسطام از ترس فریدون به منطقه غور رفت و در آنجا ساکن شد. (ج ۱ ص ۳۲۰ ناصری) به علت قلت منابع و ابهام در تاریخ غوریان از سلاطین اولیه غوری اطلاعی در دست نیست. اولین اشاره به امیر فولاد غوری یکی از فرزندان ملک شنسب بن خرنک می‌باشد که به دعوت ابومسلم خروج کرد و پس از پیروزی عباسیان عمارت و فرماندهی بلاد جبال و غور را بدست آورد. احوال غوریان معلوم نیست تا نوبت حکومت به امیر بنجی نهاران شنسبی رسید. او از حاکمان بزرگ غوری می‌باشد و اولین حاکم غوری است که از دارالخلافه بغداد عهد و لوا آورد و هارون الرشید امارات غور را بدو داد.^۱

امیر سوری بن محمد

از عهد امیر بنجی تا حکومت سوری بن محمد اطلاعی در دست نیست و تاریکی بر آن سایه انداخته است. سوری بن محمد در عهد یعقوب لیث امارت غور داشت، صفاریان چندین بار به غور لشکر کشیدند ولی بدلیل کوهستانی و صعب العبور بودن راههای منطقه موفق به تصرف آن نشدند. در هنگام بر تخت نشستن سلطان محمود غزنوی حکومت غوریان به امیر محمد سوری رسید، سلطان محمود به بهانه جهاد با کفار به غور لشکر کشید و امیر محمد سوری را اسیر کرد و بجای او

^۱ جوزجانی، منهاج السراج ابو عثمان «طبقات ناصری»، بکوشش عبدالحی حبیبی، چاپ دهم، دنیای کتاب، تهران: ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۲۴.

فرزندش ابو علی را بر تخت نشانند.^۱ هرچند که در تاریخ طبری اشاره شده که حکم بن عمرو غفاری منطقه غور و فراونده را بزور شمشیر گرفت.^۲ و در نتیجه غوریان در زمان حضرت علی (ع) مسلمان شدند.

ابو علی بن محمد سوری

امیر ابو علی بر خلاف پدرش به سلطان محمود و بعد از او به سلطان مسعود وفادار ماند و خراج حکومت را بطور مرتب به آنها پرداخت می کرد او سرزمین غور را آباد کرد تا اینکه برادر زاده ابو علی بنام عباس بن شیث قیام کرد و حکومت را از امیر ابو علی گرفت.^۳

عباس بن شیث بن محمد

امیر عباس غور را در ضبط خود در آورد ولی بدلیل ظلم و ستم به مردم، فرماندهان و بزرگان غور از سلطان ابراهیم بن مسعود غزنوی درخواست کردند تا به غور لشکر کشد پس سلطان ابراهیم به غور لشکر کشید و امیر عباس دستگیر شد و حکومت را به امیر محمد بن عباس سپرد.^۴

^۱ جرفادقانی، ابوالشرف ناصح «تاریخ یمنی» تصحیح جعفر شعار، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۷۴، ص ۳۱۲.

^۲ طبری، محمد بن جریر «تاریخ طبری» ج ۷، تصحیح ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، نشر اساطیر، تهران: ۱۳۷۵، ص ۲۷۹۴.

^۳ استرآبادی، محمدقاسم هندوشاه «تاریخ فرشته از آغاز تا ابر» ج ۱، تصحیح محمدرضا نصیری، چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸.

^۴ جوزجانی، طبقات ناصری، ج ۱، پیشین، ص ۳۳۲.

امیر محمد بن عباس

امیر محمد بر خلاف پدرش به آبادی و جبران خسارات و ظلم پدر پرداخت. جمله اشراف و بزرگان او را اطاعت کردند. تا اینکه درگذشت.

قطب الدین حسن

ملک قطب الدین حسن از حاکمان غوری می باشد. در زمان حکومت او عده ای از ساکنان تکاب عصیان کردند و برای سرکوب آنان به پای قلعه رفت ناگاه تیری بر چشم او اصابت کرد و کشته شد.^۱

عزالدین حسین

ملک عز الدین حسین ملقب به ابواسلاطین بود. او هفت پسر داشت که از ایشان چهار پسر به سلطنت رسید، ملک عز الدین با حکومت سلطان سنجر اطاعت و مودت بسیار داشت و هر سال برای او مالیات می فرستاد.^۱

سلطان بهاءالدین سام بن حسین

پس از ترک فیروز کوه توسط ملک الجبال، برادرش بهاءالدین سام به فیروز کوه رفت و پس از مرگ سلطان سوری به حکومت غور رسید. پس برای انتقام مرگ برادر به غزنین لشکر کشید ولی در منطقه گیلان بر اثر غم برادر درگذشت.^۲

^۱. استرآبادی، «تاریخ فرشته از آغاز تا بابر» ج ۱، پیشین، ص ۱۹۵.

سلطان علاءالدین حسین جهانسوز

چون سلطان بهاءالدین سام به طرف غزنین لشکر کشید قبل از حرکت حکومت غور و فیروز کوه را به برادرش سلطان علاءالدین سپرد. پس از مرگ سلطان بهاءالدین سام حکومت غور به سلطان علاءالدین حسین رسید پس او به انتقام برادران خود به غزنین لشکر کشید و آنجا را تصرف و غارت نمود و چون دشمنی خود را با سلطان سنجر آشکار کرد و از فرستادن مالیات سر باز زد. پس سلطان سنجر با او به جنگ پرداخت و سلطان علاءالدین حسین شکست خورد و اسیر گشت. ولی پس از چندی توسط سلطان سنجر آزاد گشت و به حکومت غور منصوب شد و شروع به توسعه قلمرو خود نمود و پس از چند سال در گذشت.^۳

ملک ناصر الدین حسین مادینی

چون سلطان علاءالدین بدست سلطان سنجر اسیر گشت. جمعی از بزرگان ملک ناصر الدین حسین را به پادشاهی انتخاب کردند پس او تمامی خزاین سلطان علاءالدین را بخشید و مصرف کرد، تا اینکه سلطان علاءالدین حسین رهسپار غور گردید. پس اهل حرم او را در هنگام خواب خفه کردند.^۴

^۱. جوزجانی، طبقات ناصری، ج ۱، پیشین ص ۳۳۴.

^۲. همان ص ۳۳۸.

^۳. ابن اثیر «تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران» ج ۲۶، پیشین، ص ۲۱۶.

^۴. جوزجانی، طبقات ناصری، ج ۱، پیشین، ص ۳۴۹.